

گفتگوی رادیویی امیرجوهری با ابراهیم مددی

امیر جوهری

هفدهم فروردین ماه هشتاد و شش

ابراهیم مددی در گفتگوی رادیویی با امیرجوهری اعلام داشت:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به یک نهاد سر بلند، مستقل در جهت دفاع از حق حاکمیت مردم ایران برخودشان، پایبند است.

یادداشت :

فعالان کمپین مالی: " اقدام انسانی مشترک - گوتنبرگ (سوئد) " با ارسال کمک های مالی جمع آوری شده به ایران ، بر آن شدیم که جهت آشنایی بیشتر شنوندگان رادیو همراه- گوتنبرگ با وضعیت سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، گفتگویی را با آقای ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکا شرکت واحد تدارک ببینیم . این گفتگو در تاریخ دوشنبه شب ۲۶ مارس ۲۰۰۷ توسط همکار رادیو امیرجوهری لنگرودی صورت گرفته است. لازم به یادآوری است، که در پیاده کردن نوار، تلاش کردیم که به شیوه محاوره ای این گفتگو و تلفن های شنونده گان رادیو در گفتگو با آقای مددی صورت پذیرفت، خدشه ای وارد نگردد. انتخاب عنوان گفتگو از ماست.

فروردین ۱۳۸۶ (آپریل ۲۰۰۷)

امیر جوهری: تشکل مستقل سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تشکلی است که از دهه ۴۰ به اینسو، توسط فعالان سندیکای شرکت واحد ایجاد شده و طی این مدت در طلب مطالبات کارگران خط واحد کار کرده است. بعد از قیام بهمن ۵۷ نیز فعال بوده است. در دوره سرکوب شوراها، سندیکا ها، اتحادیه ها و محافل کارگری برآمده از انقلاب بهمن و جایگزین شدن ، انجمن های اسلامی و بعدا شوراهای اسلامی کار و تصرف خانه کارگر به ضرب چماق و پشتیبانی حزب حاکم (بهشتی - رفسنجانی و....) فعالیت سندیکایی موقتا تعطیل گردید. طی سالهای اخیر با پیشروی جنبش مطالباتی در ایران، دگر بار فعالان این سندیکا دست به احیاء آن زدند.

هر چند که تشکل ستیزان حرفه ای، (خانه کارگر) ی ها، چهره های شناخته شوراها ی اسلامی کار به مانند حسن صادقی و هم قطاران شان ، در سایه ساحل امنی که برای آنها فراهم آمده، بر سر فعالان سندیکای شرکت واحد ریختند، دفترشان را لاک و مُهر کردند، منصور اسانلو رازیر تیغ گرفتند. زبانش را که زبان گویای کارگران سندیکا بود با تیغ موکت بُری بریدند ، دستگیرشان ساختند و به زندان شان بُردند. حتی برای آزادی منصور اسانلو وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی تراشیدند. از خیل عظیم دستگیر شده گان ۵۴ نفر از کار بیکار شده و تمام حقوق قانونی آنها را قطع کردند.

با اینهمه مقاومت و ایستادگی و مدافعه از حقوق قانونی کارگران توسط منتخبین کارگران در طول دی ماه ۱۳۸۴ به اینسو ادامه داشته و مدافعه بخش گسترده محافل و مجامع کارگری جهان را در دفاع از کارگران ایران برانگیخته است. ما امشب با آقای ابراهیم مددی نائب رئیس سندیکای مستقل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و یکی از تلاشگران موجودیت سندیکا و استقلال عمل اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه را با خودمان، آنسوی خط از ایران داریم و با ایشان به گفتگو می‌کنیم.

آقای مددی بشما درود میفرستم و سال نورا بشما و همه یارانانتان تبریک می‌گویم. اجازه بدهید از همین تریبون رادیو همراه به شما و همه یارانانتان خسته نباشید بگویم و اولین سئوالم را به این شکل طرح می‌کنم.

امیرجواهری: در قانون کار فعلی در ماده ۱۳۱ تبصره ۴ فقط سه نوع ظرف تشکیلاتی برای کارگران در نظر گرفته شده است و در آنجا آمده است: " کارگران یک واحد فقط میتوانند یکی از سه مورد؛ شوراهای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده ی کارگران را داشته باشند " پرسش من این است؛ شما کدام ظرف این تعریف بحساب می‌آید؟ منظورم از شما سندیکای مستقل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است؟

ابراهیم مددی: من هم به شنوندگان رادیوی شما درود و سلام میفرستم و جشن نوروز باستانی را به همه هم میهنان گرامی بویژه شنوندگان رادیو شما شادباش می‌گویم و آرزوی سربلندی و سلامتی شما را دارم و از اینکه این امکان را فراهم آوردید که ما پیام آگاهی رسانی خودمان را از طریق شما به گوش هم میهنان عزیز و شنوندگان گرامی شما برسانیم سپاسگزاری می‌کنم. و آینده سالی خوب را برای همه هم میهنان گرامی ام بویژه کسانی که در جهت همدلی و همراهی و کمکهای انسانی و کمک های مادی و معنوی به سندیکا دست یاری خودشان را دراز کردند و فعالیتی را آغاز کردند، من سپاسگزاری خودم را اعلام می‌کنم.

بله همانطور که شما اشاره کردید در ماده ۱۳۱ قانون کار فعلی جمهوری اسلامی ایران، به این ترتیبی که شما فرمودید؛ مقرر کرده است: که کارگران می‌توانند برای دفاع از حقوق خودشان، تشکیلاتی داشته باشند. اما لازم به تذکر است که در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، حق تشکل آزاد سندیکایی کارگری به هیچ وجه رعایت نشده است. ما در این قانون کار شاهد تناقضات و اشکالات عدیده بسیاری در فصل مربوط به تشکلهای کارگری هستیم. اگر مبنای هر کشوری قانون اساسی باشد و هر قانون دیگری باید با آن مطابقت داشته باشد. قانون کار در این مورد، ناقض قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بدین ترتیب اگر اصل ۲۶ قانون اساسی را مبنا قرار دهیم که در آنجا مردمان ایران میتوانند؛ دارای انجمن های صنفی و تشکلهای مدنی باشند. این حق در قانون کار رعایت نشده است. بدین ترتیب پس از سالهای اولیه دهه شصت (۱۳۶۰)، سندیکاهای کارگری سرکوب شدند و اجازه فعالیت پیدا نکردند در سالهای ۶۴ و ۶۵ قانونی به نام " قانون شوراهای اسلامی " بعد ها، این قانون به " شوراهای اسلامی اسلامی کار " به وسیله قانون گزاران مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که به نوعی این قانون میخواهد، جای تشکلات سندیکایی مستقل ایران را پر کند. اما به دلیل تناقضی که در این قانون وجود داشت و با قانون کاری که از دوره قبل از انقلاب در آن موقع در روابط کارگری و کارفرمایی حاکم بود، این تناقض تا سال ۱۳۶۹ ادامه پیدا کرد و در این سال (۶۹) بعد از کش و قوس های بسیاری که در درون جریانات مختلف حاکمیتی برای تصویب قانون کار در ایران گذشت. قانونی تحت عنوان: " قانون کار جمهوری اسلامی ایران " به دلیل مخالفت های " شورای نگهبان " بوسیله " شورای مصلحت نظام " تصویب شد. در آن موقع رئیس این شورا در نماز جمعه تهران،

به کارگران ایران "بشارت" داد که: «از سال ۶۹ به بعد دیگر، صاحب قانون هستیم که این قانون به احیاء حقوق کارگران کمک می کند!»

قانون شوراهای اسلامی کار، آنچنان که از متن قانون بر می آید. وزارت کار را موظف می کند که در همه موسسات کارگری، شورای اسلامی کار بوجود بیاورد. این شوراهای اسلامی که در حمایت و هدایت مراکز اطلاعاتی و امنیتی در سازمانهای بخصوص کارگری، بجز موسسات بزرگ نظیر: صنایع ذوب آهن اصفهان، صنایع نفت و پتروشیمی و شرکت های بزرگ دولتی، عملی نشده است. در شرکت های کوچک و متوسط با پیگیری های که انجام دادند، بوجود آمد... اما قانون شوراهای اسلامی کار، از جمله با مقوله نامه ۸۷ سازمان بین المللی کار مغایرت داشت. بعد ها توسط سازمان بین المللی کار، کارشناسانی به ایران اعزام شدند تا نسبت به رعایت مقررات استانداردهای بین المللی کار در ایران، دولت ایران وظایف خودش را بر اساس برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد، انجام بدهد.

از جمله اهدافی که در برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد، دولت های جهان بر آن گردن گذاشتند، یکی هم اینستکه؛ در روابط کارگری، تشکلات مستقل کارگری، سندیکاها، اتحادیه ها و فدراسیون ها، بتوانند در شرایط آزاد، بشکل دموکراتیک و فراگیر بوجود بیایند تا در همه شرایط اجتماعی از حقوق کارگران، در شرایطی که در جهان نظام خصوصی سازی پیش می رود، آنها بتوانند از حقوق انسانی و کارگری خودشان بهره مند شوند. البته این برنامه در ایران تا به امروز به هیچ ترتیبی جامع عمل نپوشید و حتی شوراهای اسلامی که بصورت دولتی و حکومتی قبلا بوجود آمده بودند، توسط دولت جدید و وزیرکارش (محمد جهرمی) پس زده شد و شوراهای اسلامی بخصوص از طرف تیم جدید وزارت کار بسته شدند. اخیرا در یک شبه انتخاباتی، به اصطلاح نمایندگان جامعه کارگری برای تصمیم گیری در مجمع ای که در قانون وجود دارند مثل: "شورای عالی کار"، "شورای عالی اجتماعی"، "شورای عالی صنایع"، این کارگرانی که بوسیله وزارت کار در واقع دست چین و گلچین شده اند در آنجا جایگزین شدند.

اما این "انجمن صنفی" که در آن قانون آمده و - شما هم به آن اشاره کردید - باز استانداردهای بین المللی کار، را با خود ندارد. اگرچه با اینکه موجودیت "انجمن های صنفی"، در قانون کار نوشته شده، از طرف وزارت کار هیچگونه همکاری تا حالا نشده و اصولا برای شکل گیری این انجمن های صنفی، سنگ اندازیهای بسیاری شده است. یک شق دیگری هم که شما نام بردید که در ماده ۱۳۱ و تبصره ۴ آن آمده، "نماینده کارگری" است. آنهم بسیار محدود است و به لحاظ تعیین ایدئولوژیکی از طرف مسئولین، باز هم انتخابات واقعی نمایندگان کارگری به لحاظ قانونی در قانون کار مقدور نمی باشد، کما اینکه تا به حال موجود نبوده است.

اما سندیکا بر اساس مقوله نامه های بین المللی سازمان جهانی کار و منشور جهانی حقوق سندیکایی و نهادی واقعی و جوشیده از متن کارگران که شاخصه آن عدم دخالت گری کارفرما، عدم دخالت دولت و عدم دخالت پلیس و یا هر ارگان دیگری، بدون اجازه قبلی می تواند تنها به اتکاء عموم کارگران بوجود بیاید و فعالیت کند. متاسفانه این تشکلات مستقل سندیکایی به هیچ وجه در کشور ما تا زمان فعالیت سندیکای شرکت واحد، نتوانسته بودند، بوجود بیایند. اما با توجه به زمینه هایی که در کارکنان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه وجود داشت و اتحاد سختی که این نیرو با یکدیگر داشتند، ارتباطاتی که با پیشکسوتان سندیکایی و هیئت موسسان سندیکای کارگری و پیشکسوتان سابق سندیکای شرکت واحد طی سه تا چهار سال اخیر پیش آمد، گروهی که در راس آنها آقای اسانلو بود و اینجانب هم تقریبا همزمان و هماهنگ با ایشان، فعالیت هایی را با عنوان: "احیاء و بازگشایی سندیکا" شروع کردیم. این فعالیت ما از نظر آقایان

نامطلوب تشخیص داده شده بود و بر همان اساس هم از همان روزهای اول در جهت فلج کردن فعالیت های ما، انواع و اقسام اقدامات سرکوبگرانه سازماندهی شد که اولین آن حمله عوامل و عناصر « خانه کارگر » تحت پوشش نیروهای پلیس و امنیتی در تاریخ ۱۹ دی ۸۴ بود که در آن حادثه آقای منصور اسانلو از ناحیه صورت و زبان و دیگر قسمت های مختلف بدن، مورد ضرب و شتم قرار گرفت. من در آن حادثه بسیار کتک خوردم و کسان دیگری از کارگران در آن جا کتک سختی خوردند و تلاش شد که آن حرکت را حمله تعدادی از کارگران شرکت واحد به سندیکا جلوه دهند. اما اینقدر این داستان مضحک و خنده آور و در واقع دمب خروس اش پیدا بود که بلافاصله این عمل و حمله به عنوان یک حرکت ضدانسانی و ضد کارگری در دنیا محکوم واقع شد. بسیاری از نهادهای کارگری به آن عمل و تهاجم اعلام انزجار نمودند و همبستگی خودشان را نسبت به ما اعلام داشتند. در ادامه حرکت هایی که ما انجام دادیم، توانستیم بخش زیادی از کارگران را با حقوق صنفی خودشان، که طی سالیان رعایت نمی گردید، آشنا کنیم و این پروسه همچنان دنبال می گردد.

امیر جواهری: آقای مددی با این توضیحات مفصلی که نسبت به پرسش اولم بیان داشتید، در واقع این سؤال برای من پیش آمد؛ از نگاه شما خود ویژه گیهای تشکل مستقل کارگری بر پایه چه اصولی تعریف میشود. هر چند که نگاهتان را بطور کلی گفتید - من بیشتر پرسشم اینستکه؛ اگر بطور مشخص آن خود ویژه گیها را برای شنونده گان ما، بر بشمرید، ممنون می گردم.

ابراهیم مددی: این مطلبی که طرح کردید در استانداردهای سازمان بین المللی کار اعلام شده است. تشکل مستقل کارگری، مشخصه اش اینستکه؛ کارفرما در آن دخالت نتواند بکند. دولت نتواند در تشکیل آن دخالت نماید. نیروهای غیر کارگری در ایجاد آن دخالت نداشته باشند و کارگران بتوانند، بدون اجازه گرفتن از جایی، خودشان و فقط خود کارگران، آن تشکل را بوجود بیاورند. ما در شرایط خاص اجتماعی که در ابتدای سال ۱۳۸۴ با کوشش و تلاش و پذیرش خطراتی که دوستان سندیکایی ما با آن روبرو بودند، توانستیم این شرایط را بوجود بیاوریم و سندیکا را با انجام یک مجمع عمومی، که پلیس هم به ما فشار آورد - و یک شرایط خاص بود - آنرا بر گزار کردیم و تشکل سندیکایی خودمان را بدون دخالت دولت و کارفرما و هر نهاد حکومتی دیگری بوجود بیاوریم. از همین روست تشکل مستقل کارگری ما با آن سازو کاری که در آن وجود دارد و آن محترم شمردن استقلال عمل آن است، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و ادامه فشارها و سرکوبگریها، از جمله اخراج از کار و ایجاد رعب و وحشت علیه فعالین سندیکا، امروز هم ادامه دارد و آنچنان که قبلا گفته شده است؛ ۱۶ نفر از اعضاء هیئت مدیره سندیکا و فعالینی که در راس آن آقای اسانلو هستند در دادگاه انقلاب تحت عنوان: « تبلیغ علیه نظام » دارای پرونده هستند که در ۵ اسفند ۱۳۸۵ آقای اسانلو از این گروه در یک شرایط غیر عادی محاکمه شدند و ایشان در انتظار ابلاغ رای آن دادگاه هستند و ۱۵ نفر دیگر در ادامه این محاکمات در انتظار احضار به دادگاه انقلاب قرار دارند.

امیر جواهری: آقای مددی یکی از خود ویژه گیهای دیگری که من برای تشکلهای مستقل کارگری برمی شمردم؛ مسئله تامین مالی آنهاست. یعنی در واقع تشکل مستقل برخلاف تشکل های دولتی یا شبه دولتی که توسط جناحهای مختلف دولت و احزاب در حکومت، بودجه آنها تامین میشود. تشکلهای مستقل کارگری، وجوه مالی شان را از طریق پرداخت داوطلبانه حق عضویت اعضاء، یعنی خود کارگران تامین مینماید. اگر با این نظرم موافق باشید؛ با توجه به دشواری زندگی کارگران شرکت واحد، بیکاری تعدادی از آنان، راههای تامین مالی سندیکای مستقل شرکت واحد از چه طریق تامین میشود و چگونه

با این مشکل در جامعه امروز ایران سر می کنید؟

ابراهیم مددی: به نکته درست و پراهمیتی اشاره داشتید. بلافاصله بعد از اینکه اعضاء ما از حق اشتغال به کار محروم اعلام شدند. ما فراخوان مالی سندیکا را صادر کردیم. کسانی که طرفدار اصول عدالت اجتماعی هستند، بیش و کم، کمک هایی را به ما رساندند. چون این کمکها، جوابگوی تامین معاش زندگی این گروه پنجاه (۵۰) نفره کارگران سندیکایی نبود، آنها به هر جهت با پذیرش کارهای سخت و کارهایی کاذب و حاشیه ای، توانستند خودشان را در ادامه این مسیر پیش ببرند و حرکت بکنند و پای به پای این شرایط سخت کاری، همچنان پیگیر حق و حقوق خودشان از طریق مجاری قانونی که وجود داشت، مشکل را دنبال کردند و تعدادی از همین فعالین سندیکایی با حمایت همکارانشان که شاغل هستند و اندک درآمدی دارند، بقول ضرب المثل معروف که می گوید؛ با سیلی، صورت خود را سرخ نگه داشتند. شرایط زندگی را با سختی و مرارت ادامه دادند. اما در اسفند ماه ۱۳۸۵ با شکایت ها و شکوائیه های گوناگونی که از طرف کارگران پیگیری می شد، وسیله شد که ۵۰٪ حقوق این کارگران را مطابق ماده ۱۷ و ۱۸ قانون کار، به آنان بپردازند که مبالغ اندکی می شود. چون این دوستان عشق به حق آزادی سندیکایی دارند، این شرایط سخت را، بهر جهت تامل می کنند تا ببینیم در آینده اوضاع و احوال به چه صورت پیش خواهد رفت.

امیر جواهری: سپاسگزارم؛ دوست محترمی زنگ زدند و پشت خط یادداشتی گذاشتند، مبنی بر این یادآوری؛ که هم من (امیر جواهری) و هم آقای مددی، مرتب از تعداد ۵۰ تا ۵۴ نفر کارگران بیکار شده شرکت واحد یاد می کنیم. در واقع اگر اعضاء خانواده های این کارگران را هم در نظر بگیریم و آنها را هم به تعداد بیکار شده ها اضافه کنیم. ما با رقم ۲۰۰ و اندی نفر روبرو می شویم. با تشکر از این دوست عزیز، بنظرم یاد آوری درستی را به ما متذکر شدند. آقای مددی از نظر شما با توجه به قوانین کار موجود و ساختار حقوقی اش، اگر بخواهم از شما بپرسم: از سلسله موانعی که برای شکل گیری تشکل مستقل کارگری وجود دارد. کدام مانع را برای رسیدن کارگران به حقوق انسانی، مطالباتی و اجتماعی شان، مهم تر و ارجح تر می شمیرید، چگونه میتوانید، آن موانع را رفع کنید؟

ابراهیم مددی: موانع فراوان است. نخستین آن، مانع دولتی و حکومتی است که اصولاً با وجود آمدن نهاد مستقل کارگری همچنان که طی ۲۶ و ۲۷ ساله موجود نشان می دهد، سازگاری وجود ندارد. موانع دیگر که باز میشود شمرد؛ شاهد هم عدم پیگیری کارگران است، بدلیل اینکه گسترده گی بیکاری آنچنان در ایران زیاد است، که کارگران در صدد هستند که یک جایی را بدست بیاورند که دستمزدی داشته باشند تا از شرایط گرسنگی خودشان و خانواده هایشان را نجات دهند. بایستی به شما آگاهی بدهم که اگرچه حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تومان بوده است اما بسیاری از نیروی کار در کشور ما زیر این مبلغ حاضر هستند، کار بکنند تا یک نان بخور و نمیری را بدست بیاورند. این شرایط و دیگر شرایطی که در جامعه وجود دارند، یعنی مسائل فکری و ذهنی، موانعی مادی را برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری بوجود آورده که تنها با تلاش و کوشش و جانفشانی کارگرانی که برای حل مسائل کارگری خودشان را در صفوف مقدم مشکلات موجود قرار میدهند، قابل رفع است.

ما امیدواریم که این موانع پس زده شود تا کارگران بتوانند، مطابق استانداردهای بین المللی، تشکلات مستقل خودشان را بوجود بیاورند. من آن قسمتی که شما گفتید؛ کسی تلفن کرده و اشکالی را گرفته متوجه نشدم، اگر ممکنه آن را تکرار

کنید.

امیرجواهری: تذکر این دوست به ما این بوده که هر دو نفر ما، به دفعات تکرار میکنیم که ۵۰ تا ۵۴ نفر از کارگران شرکت واحد از کار، بیکار شده اند، در حالیکه این ترکیب با یکایک اعضای خانواده آنها باید به رقم ۲۰۰ و ۲۰۰ اندی محاسبه گردد تا عمق این دشواری زندگی بر کارگران شرکت واحد بر شمرده شود. من فکرمی کنم؛ در اساس تذکر درستی بوده است.

ابراهیم مددی: بله بله کاملاً درست است. اصولاً همین طور است. من می خواهم بگویم: شاید گسترده تر از همین هم باشد. بدلیل اینکه بسیاری از این کارگران و عزیزان؛ مادر، پدر و کسان دیگری را هم تحت تکفل خودشان داشته باشند که آنها هم بخاطر این اخراج ها و بیکار سازی ها، دچار مشکلات و فشارها به فرزندان خود شدند.

امیرجواهری: آقای مددی با توجه به پاسخی که به سؤال قبلی ام منظور کردید، می خواهم زاویه بحث را بشکل دیگری نسبت به آنچه که در فضای مطبوعات کشور ترسیم میشود - هم شما و هم شنونده گان ما - آنرا میخوانند، با شما طرح بکنم و آنوقت نگاه شما را نسبت به این مهم بشنویم.

همه ما میدانیم که امروز، فاصله طبقاتی بسیار بسیار فاجعه باری در جامعه ما وجود دارد. بطوری که مطبوعات دولتی هم مجبورند، آنرا به نوشتار در بیاورند. مسئله فروش اعضاء بدن مثلاً؛ کلیه ها برای زنده ماندن، مسئله فروش دختران توسط خانواده ها، پدیده بسیار وحشتناک جرم خَری، خودکشی کارگران در قبال عدم پاسخگویی به خواسته های اعضاء خانواده هایشان، اخراج های بیرویه، وجود لشکر عظیم و میلیونی بیکاران، گرسنگان و تهیدستان در جامعه ایران فاجعه بار است. کارفرما به کارگرمی گوید؛ من این ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان را به تو از بابت کاری که می کنی، بیشتر نمی دهم، حاضری کارکن، حاضر نیستی بفرما بیرون! خیال کارفرما هم راحت است، چون خبر دارد که نیروی بیکار دم درب کارخانه، میدان های شهر صف کشیده اند، آن کارگر هم مجبور برای زنده ماندن به همین تهدید ۷۰ هزار تومانی اجباری کارفرما بسازد یا باید هم برود بیرون، کلیه اش را بفروشد یا خود زنی کند. با توجه به آنچه را که بعنوان یک بحران عظیم در شرایط دشوار و وجود ناهنجاری های زندگی از یکسو، تهدیداتی که از سوی دیگر در مقابل بحران آفرینی های حاکمیت به نوعی، مزید بر علت میشود و در خلیج فارس هم می بینیم که ناوگان های ایالات متحده صف کشیده اند و این بحران هم در جامعه دست بگریبان شما ها هست، فکرمی کنید امروز در وضعیتی که شما ها با آن روبرو هستید، چاره کار در چیست یا فکرمی کنید چگونه چاره ای می شود، اندیشید؟

ابراهیم مددی: بله این شرایطی که شما ترسیم کردید، ما هم شاهدیم که در رسانه های داخلی نیز منتشر می شود. در واقع کسی این شرایط را در داخل رد نمی کند. به اطلاع شما برسانم که حتی این موضوع آنچنان عمق پیدا کرده است که روزنامه جمهوری اسلامی، در رابطه با نرخ دستمزد ها، به تعیین ۱۸۳ هزار تومان به عنوان حداقل حقوق ماهیانه، اعتراض می کند و می نویسد: شورای عالی کار که باید برای افزایش دستمزد کارگران، چانه بزند، وظایف خودش را انجام نداده است و این مبلغ که تعیین شده است، بسیار کم است. در واقع وقتی روزنامه جمهوری اسلامی، درباره مسائل معیشتی عموم کارگران و زحمتکشان ایران، یک چنین حقیقتی را بیان کند، خود نشان بسیاری از تغییر و تحول در جامعه

دارد. آن شرایطی که شما گفتید، بهر جهت باعث میشود، ای بسا همه چیز بهم بریزد و شاید که ازدل این تحولات، شرایط دیگری بوجود آید. تا این تضادها و تناقضاتی را که بدان اشاره کردید، پاسخگو باشد.

ما امیدواریم، اوضاع به سمتی برود که در جهت بهبود این شرایط اجتماعی حرکت بکنند. ما فکر می‌کنیم؛ آنچه که شما در جغرافیای خلیج فارس اشاره کردید؛ مقدمات یک حرکاتی نظیر کشور همسایه ما - عراق - که بوسیله محافلی در داخل و خارج از کشور هم دامن زده می‌شود، اتفاق نیافتد. چرا که در صورت وقوع آن، کارگران و زحمتکشان، طبقات محروم و دستمزد بگیر، جزء اولین قربانیان آن شرایطی که شما به آن اشاره کردید، خواهند بود. اما به هر جهت این تناقضات و این فشاری که به اکثریت مردم ما می‌رود. این جمعیت عظیم ۱۵ میلیونی کارگران، بیشترین صدمات را باید تامل بکنند. بیشترین رنج‌ها را باید تامین بکنند. اگر بطرف سازماندهی کردن خود، حرکت بکنند، فکر میکنم، تحولات آینده اجتماعی، بسود ایجاد عدالت اجتماعی و تعادل بیشتر اجتماعی حرکت خواهد کرد. در غیر اینصورت، شرایط بسیار بغرنج، سخت و پیچیده تر خواهد بود.

ما امیدواریم که از دل این تحولات، تحولاتی بسود اکثریت مردم ایران، که زحمتکشان و حقوق بگیران هستند، رخ بدهد و از این مرحله خاصی که در برابر ما هست و پُر مخاطره آمیز هم می‌باشد، ما بتوانیم بسلامتی عبور بکنیم.

امیرجواهری: منم امیدواری‌های شما را دگر بار بزبان می‌آورم. کما اینکه در اطلاعیه ۲۷ اسفند ۸۵ شما، که با عنوان: "زندگی شایسته حق مسلم ماست" به صراحت آمده؛ به امید گسترش هر چه بیشتر صلح و عدالت اجتماعی و آزادی بیشتر گام برداریم. اجازه بدهید؛ دوستان مرتب زنگ می‌زنند و برای ما مدام یادداشت می‌فرستند. من یکی از آنها را برای شما بخوانم بعد هم یکی و دوسئوال دیگر را طرح می‌کنم. در یادداشت از جمله آمده است: درود و تبریک یکایک ما را به کارگران، خانواده‌های و بویژه کودکان تان برسانید و بگویید؛ اگر چه ما دور از شما هستیم ولی قلب هایمان باشماست. آقای مددی، اجازه بدهید پیام دختر خانم تارا را هم برای شما بخوانم. تارا دختر هفت (۷) ساله، قلک خودش را وا کرده و همه دارائیش را به کودکان هم بازی اش در ایران تقدیم کرده و نوشته است: «همینقدر در قلک ام بود، همه موجودی خودش را به تفکیک بر شمرد که معادل ۳۸۰ کرون شد و نوشت: با سلام از طرف تارا، دختر ۷ ساله، تقدیم به کودکان همبازی ام در ایران، همینقدر در قلک ام بود. عید شما مبارک» پاکت دیگری که توسط دوست محترمی - در جلسه ای برای تدارک تشکل نهاد پایدار کارگری در این شهر بود- بمن داد. آنگاه که فرصت یافتم و پاکت را باز کردم. این یادداشت صمیمی با امضاء دو تن (رعنا و آدیس) برای شما بوده است. پاکت حاوی ۵۰۰ کرون، کمک به صندوق بود و در کارتی آمده است: «با درود به شما، به تمامی رزمندگان در راه طبقه کارگر، به امید پیروزی هر چه بیشتر کارگران ایران.»

من وقتی این همه صمیمیت برخورد ها را در طی الطریق کاروان انسانی یاری رسانی مالی تحت عنوان: "اقدام انسانی مشترک" در طول دو هفته یا بیشتر در این شهر دنبال میکنم و در برابر آنچه که در بر خورد مادران، پدران، کودکان، جوانان دختر و پسر، در سطح این شهر در طول این دو هفته ناظر بودم، احساس میکنم که شادی و مهر آدمیان با انسانیت بهم آمده و تبدیل به یک قدرت عظیمی شده که اگر پایه مادی آنرا بخواهم به عدد در بیاورم، در برابر عظمت معنوی این حرکت، هیچ است.

از نگاه من، آنچه از دل این حرکت در آمده است، گره خوردن دلها به هم، تعیین و تثبیت نوعی همگرایی، اعتماد و بیش

از هر چیزی اعتماد بهمیدگر در طول این پانزده روز، معنی پیدا کرده است. من خوشحالم از اینکه ما توانستیم، امسال شادی و عید خودمان را با کودکان شما در ایران، باهم همراه بکنیم و در واقع یک سفیر کوچکی باشیم در ارسال حداقل کمکهای مالی جمع آوری شده از شهر گوتنبرگ (سوئد) به شما ها در ایران. خوشحال خواهیم شد که ارزیابی تان از این حرکت جامعه ایرانیان اینجا را بشنویم و اینکه اعلام دارید تا این تاریخ چه مبلغی به تومان، به دست شما رسیده است. باید اضافه کنم هنوز این کاروان بزرگ جمع آوری مالی ادامه دارد.

ابراهیم مددی: من بار دیگر سپاسگزاری صمیمانه خودم و همکارانم را نسبت به این همیاری ها، همدلی ها و پشتیبانی های انسانی اعلام میدارم. بویژه از تارای عزیز که قلک خودش را برای حمایت از خانواده های سندیکای کارگران شرکت واحد شکست و اندوخته مالی خودش را به ما داد. برای این حرکت انسانی قبل از اینکه، حالت مادی اش را در نظر بگیریم، محتوای انسانی و مفهوم دوستی که در این حرکت است، برای ما بسیار ارزشمند است. ما امیدواریم که شرایطی پیش بیاید که این هم میهنان عزیز و گرامی ما که اینقدر دل بسته به کارگران و زحمتکشان و مردمانی که به هر جهت اینگونه حق و حقوق شان پایمال شده، کمک مادی رسانند، خود روزی به میهن بازگردند و در کنار دیگران بتوانند در جهت بهتر شدن اوضاع و شرایط اجتماعی فعالیت بکنند. بلکه همانطور که بزرگان و خردمندان گفته اند: کاروان انسانیت همیشه در حرکت است و جاده انسانی هیچگاه بی رهرو نیست! همچنان که کمک هایی که طی ۱۵ روز گذشته به ما شده، این امر را نشان داده تا زور است راه ما ادامه دارد.

من اعلام می دارم از جانب شما در دو نوبت به ما کمک هایی رسیده است. بار اول مبلغ ۳/۹۱۵/۰۰۰ (سه میلیون، نهصد و پانزده) هزار تومان و نوبت دیگر نیز مبلغ ۹/۲۵۰/۰۰۰ (نه میلیون، دویست و پنجاه) هزار تومان رسیده است. این کمک ها، می تواند در جهت بهبود شرایط معیشتی این کارگران سندیکایی و خانواده های وابسته شان که - همانطور که یادآوری شد- در حدود ۲۵۰ نفر انسان هستند، میتواند گره هایی از معیشت اینها را باز کند. این کمک ها برای ما بسیا بسیار دلگرم کننده است و امواج خوشحالی را در میان این خانواده ها بوجود آورده و جنبه معنوی این کمک های مالی، بسیار بسیار شورانگیز و شوق انگیز است.

امیر جواهری: ممنونم از شما، دوست عزیزی را پشت خط رادیو داریم که می خواهند با شما صحبت کنند. بفرمایید میکروفون با شماست. آقای مددی، خسته نباشید. من سال جدید را به شما تبریک می گویم و امیدوارم در تحرکات سندیکای شرکت واحد موفق باشید. دو نکته داشتم که می خواستم به آن اشاره کنم. این حرکت انسانی که در شهر ما آغاز شده، هیچ موقع حالت صدقه و اعانه نداشته و ندارد بلکه این کار ما در قبال حرکت عظیم ایستادگی و مقاومت شما، یک قطره ناچیزی است. ما روی آن تاکید داریم. در قبال آن همه حرکت و زحماتی که شما می کشید و آن فشاری که شما ها متحمل می شوید، این وظیفه اجتماعی و طبقاتی ماست که پشتیبان شما باشیم و خیلی هم ناچیز است. دیگر اینکه؛ بالطبع پیش خواهد آمد و ما تجربه داریم، خواهند گفت؛ که این پول ها از جانب کشورهای صهیونیستی - آمریکایی، به شما رسیده است. این آن چیزی است که دوست مان - آقای جواهری- و دست اندرکاران این حرکت، رادیو همراه، رادیو سپهر و دیگر رادیو های شهر، مرتب اعلام می کنند. یا قلک (تارا) یا کمک های (رعنا و آدیس) و مردم اینجا، واقعا آستین های خود را بالا زدند و چیز دیگری در کار نیست و دخالت ندارد. همین مردم عادی و معمولی که در کوچه و خیابان

های اینجا هستند و خود کار و تلاش می‌ورزند. این کمک‌های ناچیز را در قبال حرکت عظیم شما، انجام دادند. امیدواریم در تحركات مبارزاتی تان که تا حال انجام دادید، موفق باشید و زندگی خیلی بهتری را برای شما در جهت همبستگی همگان آرزو می‌نمایم. خیلی ممنونم که به حرف‌هایم گوش دادید، برنامه خوبی را امشب رادیو برگزار کرد، موفق باشید.

ابراهیم مددی: من از احساسات پاک این هم‌میهن عزیز، سپاسگزاری می‌کنم، کاملاً درست است. ما به این همدلی و به این همبستگی و به این حمایت‌ها به هیچ وجه بعنوان صدقه و بلاگردان نگاه نمی‌کنیم. اگر احياناً ما، تعبیر اینچینی، در باره این کمک‌ها بکارگیریم، ما این را اصولاً توهینی به پرداخت‌کننده‌گان این کارشایسته میدانیم. ما به هیچ وجه حق نداریم، این حرکت بزرگ انسانی را، صدقه و بلاگردان باشد، بدانیم و ارزش این کار بزرگ و انسانی را پائین بیاوریم. این یک نمادی است از پیوند و همدلی و همبستگی و حرکت انسانی و آن تبلیغات آن چنانی هم، به هر جهت دیگر دوره اش به پایان رسیده و کسی که سر سوزنی از خرد و عدالت در وجودش باشد، می‌تواند تشخیص بدهد که این کمک‌ها و همگرایی‌ها و این همدلی‌ها و همبستگی‌ها به هیچ وجه با آن تبلیغاتی که دوست ما به آن اشاره کردند، سر سازگاری ندارد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به یک نهاد سربلند، مستقل و در جهت دفاع از حقوق حاکمیت مردم ایران بر خودشان، پایبند است.

ما از هرگونه تعدی که ناقض مرزهای میهن ما بشود، مخالف هستیم. ما از استقلال و یک پارچه‌گی کشورمان دفاع می‌کنیم و ما تمام آرمان‌های خوب و درست بشری در جهت رفاه و آسایش، توسعه و عدالت اجتماعی در جامعه مان را می‌پذیریم و قبول داریم. از هرگونه حرکتی که ناقض این آرمان‌های صلح جویانه، عدالت خواهانه و آزادی ستیز باشد را نمی‌پذیریم و رد می‌کنیم و امیدواریم که شرایطی پدید آید که این شرایط سخت دیگر در کشور ما وجود نداشته باشد و مردم بتوانند با سربلندی و افتخار و یک زندگی شایسته، زندگی خودشان را در سرزمین پُر افتخار ایران ادامه دهند.

امیرجوهری: ممنونم آقای مددی؛ من هم از جانب دوستانی که در این "اقدام انسانی مشترک- شهر گوتنبرگ (سوئد)" سهیم بودیم، از شما و همه یارانتان در آنجا سپاسگزارم و مطمئن باشید که ما در تنظیم گزارشات مالی و ارسال آن در سطح شبکه اینترنتی جهانی، با نام بردن همه نهادی‌های مدنی که در این شهر با این اقدام همراه گشتند، با حذف اسامی افراد- بدلیل جلوگیری از دشواری‌های که ممکن است، بعداً برایشون پیش بیاورد- تلاش خواهیم کرد، راه هرگونه سوء برخورد را با این گزارشات بندیم.

پرسشی از جانب دوستی تلفنی ادا شده، من با طرح این سؤال به نوعی، گفتگوی امشب مان را پایان می‌بخشیم. پرسش این است: آیا سندیکای کارگران بدور از مرزبندی‌های سیاسی چه از داخل و خارج از کشور به فعالیت خود، همچون گذشته ادامه خواهد داد یا نه؟

ابراهیم مددی: ما بر اساس اساسنامه‌ای که در مجمع عمومی سندیکا به تصویب کارگران حاضر در مجمع رسید، تلاش و سعی ما بر این است که در مرحله اول در جهت دفاع از حقوق کارگران جامعه حمل و نقل درون شهری تهران و در مرحله بعد، عموم کارگران و در مراحل عالی ترجمانه دستمزد بگیر و حقوق بگیر و زحمتکشان، فکری ویدی حرکت کنیم. امیدواریم که بتوانیم منشاء اثر مثبتی در حرکت کارگران کشور عزیزمان ایران بشویم. ما هر آنچه که در توان داریم در طبق اخلاص می‌گذاریم و حرکت می‌کنیم، حال اگر شرایطی پیش بیاید که بدون اراده خودمان، بلا اختیار شویم، دیگر

مسئولیتش با ما نخواهد بود. ما عزم جزم داریم که بعنوان پیشروان سندیکا در جهت ایجاد تشکل های مستقل کارگری حرکت کنیم. امیدوارم که ندای ما در جامعه کارگری، پیشروان طبقه کارگری که در ایران هستند و دارند فعالیت میکنند، بنحوی موثرافتد. بنظر ما اولین وظیفه، ایجاد نهاد ها، سازمانها مستقل کارگری مطابق با میل کارگران هر واحد کارگری و آنچه که مطابق استانداردهای روابط کارگری در جهان مورد پذیرش است، در جامعه پیگیری بکنیم و به هر جهت ما تلاش مان بر این خط و این سیر است.

امیرجواهری: آقای مددی، از شما سپاسگزارم و برای شما و یارانتان بهترین ها را در سالی که پیش روی شما و ماست، آرزو می کنم و امیدوارم، همانطوری که در آخرین اطلاعیه شما هم آمده، برای پیگیری مطالبات تان و بویژه آنچه دشواری زندگی است و آنچه شایسته یک زندگی بهتر و حق مسلم یکایک شما هم هست، با توجه به تعیین نرخ دستمزد ها، برای سال جدید و در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) شما ها در داخل و ما در خارج از کشور، بتوانیم ما صدای رسای شما باشیم، آنهم در امر خبر رسانی به مجامع و محافل کارگری، احزاب، سازمانهای مترقی و همبسته با ما در سطح جهان و یکبار دیگر اعلام می کنم؛ آنچه که از زبان شما ادا شد، ما بار اول مبلغ ۳/۹۱۵/۰۰۰ (سه میلیون، نهصد و پانزده) هزار تومان و نوبت دوم نیز مبلغ ۹/۲۵۰/۰۰۰ (نه میلیون، دویست و پنجاه) هزار تومان به ایران پول ارسال داشتیم.

ابراهیم مددی: بله این اعدادی که شما اعلام کردید. من نائید می کنم و بار دیگر دروهای گرمم را نثار کسانی می نمایم که در تلاش انسانی و همدلی به ما یاری رساندند. دست یکایک آنان را - هرچند که اسامی آنها را نمی دانم - ولی می دانم، دستهای مهربان در آنسوی مرزهای میهن تلاش کردند تا در این کار کمک رسانی، همیاری به ما برسانند. من از همه هم میهنان و بویژه شنونده گان رادیو شما و ساکنین گوتنبرگ سوئد و بسیاری از یاران نادیده که در این تلاشهای انسانی شرکت داشتند، قدردانی مجدد و مکرر خودم و اعضاء سندیکا و خانواده های مربوطه را اعلام می دارم.

امیرجواهری: من نیز به سهم خود سپاسگزارم و از جانب همه شنوندگان رادیو همراه از شما تشکر می کنم که تا این وقت شب با ما بودید. بار دیگر ایام خوبی برای شما و سایر یارانتان آرزو می کنم. شب خوش!

امیرجواهری لنگرودی

۲۰۰۷-۴-۶



فعالان کمپین مالی: " اقدام انسانی مشترک - گوتنبرگ (سوئد) "